

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و صلي الله علي سيدنا محمد و آله الطاهرين

پاسخ از اشکال مرحوم شیخ انصاری

مرحوم شیخ (اعلي الله مقامه الشریف) فرمودند که اگر در این حدیث شریف یوم خالفته را متعلق به نعم بگیریم اول فرمودند بعيد و بعد فرمودند غیرممکن. و در توضیحشان فرمودند اگر یوم خالفته قید برای نعم باشد به این معناست که سائل از اصل زمان سؤال کرده، در حالی که اصل زمان برای سائل معلوم بوده و سائل علم به این داشته که یوم المخالفة همان یومی است که ضمان محقق شده و سؤال سائل این بوده که بعد از اینکه تلف واقع می شود چه چیزی بر ذمه ی او قرار می گیرد. اگر ما یوم المخالفة را قید قرار بدهیم برای نعم و متعلق به نعم باشد به این معناست که امام (ع) تعیین نفرمودند که شما (ابو ولاد) ضامنی.

بیان نکرده باشند چه قیمتی را شما ضامنی، و به این معناست که بگوئیم امام (ع) اصلاً جواب سائل را ندادند، چون روز مخالفت که روز ضمان است برای سائل معلوم بوده، این اشکال مرحوم شیخ است.

در پاسخ از این اشکال يك بياني را مرحوم محقق نائینی (اعلي الله مقامه الشریف) دارد، يك بيان را هم ايرواني دارد و يك بيان را هم امام (رضوان الله عليه) دارد، البته مرحوم نائینی نه برای جواب از این قسمت فرمایش شیخ، بلکه جای دیگری مطلبی را فرمودند و با آن بیان این جواب داده می شود.

پاسخ مرحوم نائینی [1]

مرحوم نائینی می فرماید اگر ما یوم المخالفة را متعلق به نعم بگیریم به دلالت مطابقی دلالت بر اینکه چه قیمتی را ضامن است ندارد، اگر گفتیم یوم خالفته متعلق به نعم، می شود «نعم يلزمك يوم المخالفة قيمة البغل» اما قيمة البغل چه روزی؟ نائینی می فرماید دیگر به دلالت مطابقی دلالت ندارد، اما به دلالت التزامی دلالت دارد، دلالت التزامی اش این است که اگر امام (ع) فقط مسئله ی اصل ضمان را می خواستند بیان کنند می فرمودند «نعم» دیگر ذکر کلمه قیمت و آوردن «یوم خالفته» برای چیست؟

همین بیان مرحوم نائینی را مرحوم آقای خوئی (قدس سره) هم پذیرفته اند، نائینی در منية الطالب در جلد اول صفحه 312 می فرماید «فإنه وإن لم يدل بالمطابقة علي قيمة يوم المخالفة» به دلالت مطابقی دلالت بر اینکه قیمت روزی که این مال را گرفتی و غصب کردی ندارد، تا می رسند به این عبارت که «إلا أنه بالالتزام يدل علي أن المدار علي قيمة يوم المخالفة» به دلالت التزامی دلالت دارد که ملاک و مدار قیمت روز مخالفت است، چرا؟ بیان دلالت التزامی چیست؟

روي این بيان دقت کنید ببینید آیا اشکالی به ذهن شریفتان می رسد یا نه؟ «فإنه لو لم يكن يوم المخالفة إلا يوم دخول نفس العين في العهدة لكان ذكر القيمة بلا موجب» اگر در این عبارت حدیث کلمه ی یوم المخالفة فقط برای این باشد که روزی که ذمه ی تو

مشغول شده همان روز مخالفت است، همان روز غصب است. می‌فرمایند لکان ذکر القيمة بلا موجب، چرا لفظ قیمت را امام(ع) در روایت آورد.

«لأنَّ مالية المال إذا قَدَّرَ بالقيمة يوم المخالفة» اگر مالیّت مال با قیمت روز مخالفت معین شود، «فلا محال يكون القيمة قيمة ذلك اليوم» لا محاله باید قیمت همان روز مخالفت باشد «لأنّه لا يعقل عن يكون الضمان بقيمة يوم المخالفة فعلياً و يقدر قيمة يوم ما بعد المخالفة» معقول نیست بگوئیم این قیمت روز مخالفت بر ذمه‌اش آمده، اما ملاک در قیمت يك روز بعد از مخالفت باشد.

خلاصه مرحوم نائینی می‌خواهند بفرمایند اگر يوم خالفته متعلّق به نعم باشد، به دلالت مطابقی دلالت ندارد، اما به دلالت التزامی دلالت دارد و بیان دلالت التزامی این است که این کلمه‌ی قیمت را امام(ع) برای چه آورده؟ اگر گفتیم يوم خالفته متعلّق به نعم است، روایت این می‌شود: «نعم يلزمك يوم المخالفة» چه چیز يلزمك؟ قيمة البغل، می‌فرمایند این قیمت حتماً باید همان قیمت يوم المخالفة باشد و الا اگر قیمت يوم المخالفة مراد نباشد این لفظ قیمت را چرا آوردند؟ اگر روز مخالفت روزی باشد که قیمت این بغل بر ذمه‌اش آمده اما مالیّتش را بخواهند با يك روز دیگر تعیین کنند می‌فرمایند این معقول نیست، این بیان دلالت التزامی است.

اگر این جواب نائینی تمام باشد به این معناست که امام(ع) جواب سؤال سائل را داده‌اند و قیمت را هم معین کردند به قیمت روز مخالفت.

پاسخ مرحوم ایروانی

جواب دوم بیان مرحوم ایروانی است که در مقابل شیخ در جلد دوم حاشیه‌ی مکاسب صفحه 147 می‌فرماید اساساً سؤال سائل از اصل ضمان است، شیخ فرمود سائل سؤالش از اصل ضمان نیست، اصل اینکه روز مخالفت ذمه مشغول است برایش مسلم است اما سؤال کرده از اینکه چه قیمتی را باید بدهد؟ مرحوم ایروانی می‌گوید نه، به نظر ما سؤال از اصل ضمان است. سائل قبلاً به امام عرض کرده که اینجا تکلیف چیست؟

امام(ع) فرمود «عليك مثل كراء البغل من الكوفة إلى النيل و من النيل إلى بغداد» و کرایه بغداد تا کوفه، اجرت المثل این کرایه‌ها را باید بپردازي. سائل می‌گوید «أرأيت لو عطب البغل أو نفقة أليس يلزمني» ایروانی می‌گوید الآن سؤال از اصل ضمان است، سؤال می‌گوید حالا اگر این کرایه‌ها را من باید بدهم، اگر واقعاً این بغل تلف می‌شد باز من ضامن بغل هم بودم، ضامن اصل بغل، تلف شدن بغل.

آن وقت ایروانی می‌گوید در ذهن سائل همان کلام ابوحنیفه بوده، یعنی سائل تقریباً به امام می‌خواهد بگوید اگر کرایه‌های این مدت را باید بدهیم پس دیگر اگر بغل تلف شود نباید نسبت به خود بغل ضمانتی باشد و همان مطلب ابوحنیفه را سائل به عنوان سؤال خودش می‌خواهد مطرح کند. اینجا مرحوم ایروانی می‌گوید امام(ع) بدون اینکه اصلاً اعتنایی به این کند که ابوحنیفه چه حرفی دارد و چه حرفی ندارد؟

امام می‌فرماید «نعم قيمة بغل يوم خالفته» که می‌فرماید در سؤال و جواب يك نکته‌ی لطیفی است، ایروانی می‌گوید امام صادق(ع) می‌خواهد به سائل بگوید که حرف ابوحنیفه و کلام ابوحنیفه قابلیت جواب ندارد و آن را جواب ندادند. یعنی در حقیقت سؤال سائل این است که اگر من تمام این کرایه‌ها را باید بدهم، پس اگر خودش هم تلف می‌شد نباید راجع به خودش هم ضامن باشم، یا بالعکس! اگر خودش را ضامن باشم نباید این کرایه‌ها را بدهم، یکی از این دو تا. امام(ع) این را جواب نمی‌دهند و می‌فرمایند اگر تلف شد باید قیمت روز مخالفت را بدهد. مرحوم ایروانی اینطور می‌گویند.

امام (رضوان الله تعالی علیه) در کتاب البیع ذیل کلام ایروانی را ظاهراً قبول نکردند و آن را بیان نمی‌کنند اما ایشان هم می‌فرمایند به نظر ما سؤال سائل از اصل ضمان است و سائل همین مطلب ابوحنیفه که الخراج بالضمن در ذهنش بوده مطرح کرده که از آن طرف که کرایه‌ها را بدهیم اگر هم این تلف بشود باز ضامن اصلش هم هستیم؟ امام (ع) می‌فرماید نه، ذیل اینکه ایروانی می‌گوید به نظر ما امام خواسته بگوید کلام ابوحنیفه قابلیت تعرض شنیدن ندارد، این در کلام امام نیست اما در این مقدار بین امام و مرحوم ایروانی اتفاق نظر است.

الآن دو تا نظر در اینجا هست؛ یکی نظر شیخ است که شیخ (اعلی الله مقامه الشریف) می‌فرماید سائل در این روایت سؤالش از اصل ضمان نیست و اصل ضمان برای سائل مفروغ عنه است و معلوم است و سؤالش از مقدار ضمان است، امام و مرحوم ایروانی عکس این را می‌گویند که سؤال سائل از اصل ضمان است نه از ما به الضمان، این دو تا را نظر را باید بررسی کنیم که کدام درست است؟

یک طرف مرحوم امام و ایروانی می‌فرمایند سؤال از اصل ضمان است، به نظر ما یک مطلب سومی است؛ درست است سائل از اصل ضمان سؤال کرد، یعنی وقتی روایت را آدم واقعاً رویش دقت می‌کند، «أرأیت لو عطب البغل أو نفق ألیس یلزمی» این یعنی آیا با تلفش من ضامنم یا نه؟ ظهور روشن در همین دارد، سؤال سائل را قبول داریم که از اصل ضمان است، ولی باز همین که ایشان هم اشاره کردند آقای عفتی، چه اشکالی دارد امام هم سؤال را جواب داده و هم یک اضافه‌ای فرموده، جواب هم اصل ضمان است و هم مقدار ضمان است، منافاتی ندارد. یعنی اگر سائل از اصل ضمان سؤال کرد امام (ع) نمی‌تواند مقدار ضمان را هم بیان کند؟ امام می‌فرماید «نعم یلزمک» بعد امام می‌دانسته که الآن تا می‌گوید «یلزمک» سائل می‌گوید چه قیمتی؟ اینها را معین می‌کنند «قیمة بغل یوم خالفته». حتماً امام (ع) در این عبارت «قیمة بغل یوم خالفته» می‌خواستند معیار قیمت را ذکر کنند.

بحث اخلاقی؛

در بحث اصول امروز راجع به سالگشت سفر مقام معظم رهبری به قم عرض کردیم؛ در بحث اینجا دنبال می‌طلب هفته‌ی گذشته را عرض می‌کنم؛ گفتیم در کتاب شریف اصول کافی، کتاب الایمان و الکفر باب الذنوب، مرحوم کلینی 31 روایت نقل می‌کند، حدیث ششم ابی اسامه از امام صادق (ع) نقل می‌کند،

«سَمِعْتُهُ یَقُولُ تَعَوَّذُوا بِاللَّهِ مِنْ سَطَوَاتِ اللَّهِ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ قَالَ قُلْتُ لَهُ وَمَا سَطَوَاتُ اللَّهِ قَالَ الْأَخْذُ عَلَى الْمَعَاصِي»؛ سطوات که جمع سطوت است به معنای غضب، قهر، حمله کردن، امام می‌فرماید به خدای تبارک و تعالی پناه ببرید از سطوات خدا. «باللیل و النهار» این متعلق به سطوات خداست، یعنی سطوات خدا برای زمان معینی نیست، ممکن است شب و روز گریبان انسان را بگیرد، یا «باللیل و النهار» متعلق به تعوضوا است، یعنی شبانه‌روز، دائماً پناه ببرید به خدا از سطوات خدا که این ظهور در همین دارد.

سائل سؤال کرده که «سطوات» چیست؟ امام (ع) فرموده «أخذ بر معاصی».

گاهی اوقات ما و نوع مردم، چیزی که در ذهنمان وجود دارد این است که فکر می‌کنیم اگر گناهی را مرتکب شدیم بالآخره قیامت باید جواب بدهیم، حالا بعد هم به خودمان یک امیدی می‌دهیم که روزی استغفار می‌کنیم و پاک می‌شویم، یا اگر خدایی نکرده موفق به توبه نشویم امید به شفاعت داریم، اینها در جای خودش هم درست است، هم انسان باید دنبال توبه باشد و هم

امید به شفاعت داشته باشد، اما يك چيزي هست كه اين خيلي مشكل‌تر از آن عذاب قيامت از يك جهت است و آن اخذ بر معاصي است؛ يعني خداي تبارك و تعالي گاهي اوقات به خاطر يك معصيت، حالا اين معصيت هم مخفي در ميان معاصي است، عرض كردم در جلسه‌ي گذشته گاهي اوقات انسان يك غيبيتي از يك عالمي مي‌كند، روايتي را يك وقتي در همان بحث اصول خواندم كه خيلي روايت عجيبی بود و واقعاً بايد اين روايت را در ذهنمان بسپريم؛

جميل بن دراج گفت خدمت امام صادق رسيدم، امام به من فرمود آن كسي كه داشت از خانه بيرون مي‌رفت را ديدي؟ عرض كردم بله، فرمود چه كسي است؟ گفتم: يكي از اصحاب ما و از دوستان ما و از مواليان شماست، امام به او فرمود: «لا قدّس الله روحه و لا قدّس الله مثله» اين نفرين عجيبی است! بعد جميل سؤال كرد چرا؟ فرمود اين آدم آمده پيش من و پشت سر زراره حرف مي‌زند، پشت سر برير حرف مي‌زند، بدگويي محمد بن مسلم را مي‌كند، اين نمي‌داند كه اينها امناي بر حلال و حرام خدا هستند؟! خيلي عجيب است.

بعد در ادامه‌اش دارد كه امام گريه كرد، اين عظمت مسئله را مي‌رساند، حالا آن آدم فكر کرده كه بيايد پيش امام يك بدگويي از زراره كند آسمان كه زمين نمي‌آيد، اما چه نفريني را امام به او مي‌كند! حالا اين امام است، امام معصوم كه حجّت خداست يك چنين نفرين سختي را به اين انسان مي‌كند، حالا اگر برود در نامتناهي و خود خداي تبارك و تعالي در مورد اين آدم غضب كند، اصلاً آدم نمي‌تواند فكر كند كه چه چيزي در انتظارش خواهد بود. ما معصيت را كوچك نشمریم، گاهي اوقات انسان به يك برادر مؤمنش تندي مي‌كند.

گاهي اوقات انسان خدايي نكرده به پدر و مادر تُندي لساني مي‌كند، خدايي نكرده ممكن است غضب خدا در همين معصيت باشد، ممكن است اگر خدايي نكرده هزار زنای حرام انجام بدهد او مشمول غضب خدا نشود ولي اين به دنبالش غضب خدا را داشته باشد. آن وقت اگر غضب خدا الآن گريبان انسان را گرفت، اين مي‌رود به سمت سقوط، اين روي خوش و سعادت و اينها را هيچ وقت نمي‌بيند، اين ديگر دنبال علم و تقوا نخواهد رفت، مي‌افتد به يك وادي ديگر، هر روزش از روز بعد هم به باتلاق‌هاش شديدتر فرو مي‌رود و خودش هم خبر ندارد كه منشأ و ریشه‌اش كجاست؟

«تَعَوُّذُوا بِاللّهِ مِنْ سَطَوَاتِ اللّهِ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ»، يعني ما شبانه روز بايد به خدا التماس كنيم، خدايا ما جاهلیم، ما نادانیم، ما عاجزیم، ما كوچكیم، ما ضعيفیم، ما ناتوانیم، ممكن است يك وقتي يك گناهي كنيم، مبدا نسبت به آن گناه غضب تو شامل ما بشود، و اين خيلي نکته‌ي بسيار مهمي است كه مخصوصاً ما طلبه‌ها بايد به اين نكته توجه داشته باشيم.

إن شاء الله خداوند همه ما را از غضب خودش محفوظ بفرمايد.

و صلي الله علي محمد و آله الطاهرين

[11]. «و أمّا بناء على أن يكون متعلّقاً بنعم بأن يكون الظرف لغوا متعلّقاً بشبه الفعل الذي معناه يلزمك فإنّه وإن لم يدلّ بالمطابقة على قيمة يوم المخالفة لأن معناه أنّه يلزمك يوم المخالفة القيمة إمّا قيمة ذلك اليوم أو قيمة يوم التّلف أو يوم الدّفع فالحديث ساكت عنه إلّا أنّه بالالتزام يدلّ على أنّ المدار على قيمة يوم المخالفة فإنّه لو لم يكن يوم المخالفة إلّا يوم دخول نفس العين في العهدة لكان ذكر القيمة بلا موجب لأن مالّية المال إذا قدر بالقيمة يوم المخالفة فلا محالة يكون القيمة قيمة ذلك اليوم لأنّه لا يعقل أن يكون الضّمان بقيمة يوم المخالفة فعلياً و يقدر قيمة يوم ما بعد المخالفة نعم وجوب الأداء يمكن أن يكون متأخراً و لكن قيمة اليوم المتأخّر لا يمكن أن تكون هي قيمة اليوم المتقدم و بالجملة كلّ من قال بضمان قيمة يوم التّلف لكون الضّمان بالقيمة في هذا اليوم فعلياً فلا يمكن أن يجعل المدار على قيمة غير هذا اليوم» منية الطالب في حاشيظ المكاسب، ج 1، صص 148 و 149.